



جنایت علیه بشریت

حمله جمهوری اسلامی به بهائیان ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت‌پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

- بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران؛
- ارتقای سطح آگاهی مجامع بین‌المللی از تخلفات حقوق بشر در ایران و تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای خاتمه دادن به این تخلفات؛
- ارتقای سطح آگاهی مردم ایران از موارد تخلف حقوق بشر در ایران و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛
- ایجاد مجموعه و آرشیوی اینترنتی از اسناد حقوق بشر با این امید که روزی در پیشرفت و حمایت از روند مسئول شناختن متخلفان مورد استفاده قرار گیرد.

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center

129 Church Street, Suite 304

New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۲۲۱۸-۷۷۲ (۲۰۳)

نمابر: ۱۷۸۲-۷۷۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

عکسها: عکس روی جلد تخریب خانه باب که محلی زیارتی برای بهاییان سراسر جهان بود را نشان می‌دهد و از وبسایت «مشکل بهائیت»، قابل دسترسی در http://question.bahai.org/images/high/FN5045_NN8938_2_9 گرفته شده است. عکس آیت الله العظمی عبدالکریم موسوی اردبیلی از وبسایت شخصی وی در آدرس <http://www.ardebili.com/> برداشته شده است.

عکس بهمن سمندری نیز از وبسایت «مشکل بهائیت»، قابل دسترسی در <http://question.bahai.org/images/high/Samand.jpg> برداشته شده است.

جنایت علیه بشریت

حمله جمهوری اسلامی به بهائیان ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

دی ۱۳۸۸

فهرست مطالب

۱. چکیده ۲
۲. پیشگفتار ۳
۳. چهارچوب قانونی جنایت علیه بشریت ۴
۴. جنایت علیه بشریت بر علیه بهائیان ایران ۵
- ۴,۲. حمله گسترده یا برنامه‌ریزی شده ۶
- ۴,۳. اعمال مشمول جنایت علیه بشریت ۸
- قتل ۸
- شکنجه ۱۰
- حبس و زندان ۱۱
- آزار و تعقیب ۱۳
۵. مسئولیت‌پذیری برای جنایت علیه بشریت ۱۴
- ۵,۱. مسئولیت‌پذیری فردی ۱۴
- ۵,۲. مسئولیت دولت ایران ۱۶
۶. نتیجه‌گیری ۱۷
- روش‌شناسی ۱۸

۱. چکیده

از سال ۱۳۵۷، مقامات بلندمرتبه جمهوری اسلامی ایران به قتل، شکنجه، زندانی کردن، و آزار و تعقیب اعضای جامعه بهایی ایران مرتبط شده‌اند. بین سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۶۵، حدود ۲۰۷ بهایی به علت اعتقادات مذهبی خود اعدام شدند. بیشتر این اعدامها پس از محاکمه‌های خودسرانه و بدون رعایت تشریفات دادرسی در دادگاه‌های انقلاب صورت پذیرفتند که در آنها «متهم» اغلب بدون برخورداری از کمک و کیل مدافع و در تناقض با استانداردهای بین‌المللی «تشریفات حقوقی» محکوم می‌شد. رژیم ایران به طور سرسختانه و برنامه‌ریزی شده عملیات دولتی آزار و تعقیب علیه بهاییان را در تعارض با قوانین داخلی و بین‌المللی که صلح و امنیت و حمایت از اصول اساسی حقوق بشر را ترغیب می‌کنند انجام داده است.

- از سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران عملیاتی عمدی و برنامه‌ریزی شده را به منظور خفه کردن و در نهایت از بین بردن جامعه بهایی از طریق پاک کردن تمامی آثار این مذهب از عرصه زندگی مردم، پاکسازی اعضای دیانت بهایی از سمتهای سیاسی و دولتی، و جلوگیری از شرکت بهاییان در بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته است.

- عملیات آزار و تعقیب رژیم که منجر به حملات علیه بهاییان در سراسر کشور شد شامل هدف قرار دادن، دستگیری غیرقانونی، بازداشت‌های طولانی مدت، شکنجه و قتل فراقضایی بسیاری از پیروان و رهبران جامعه بهایی می‌باشد.

- این حملات جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند چرا که بر علیه جمعیت و گروهی غیرنظامی صورت پذیرفته‌اند، طبیعت و اجرای آنها گسترده و برنامه‌ریزی شده بوده، و اعمالی (مانند قتل، شکنجه، زندان، و آزار و تعقیب) که مغایر با اصول مشترک انسانیت تحت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق عرفی و حقوق کیفری بین‌المللی می‌باشند را در بر می‌گیرند.

- مقامات عالی‌رتبه متعددی از دولت ایران ممکن است در انجام جنایت علیه بشریت بر علیه جامعه بهایی ایران مسئول شناخته شوند. به طور خاص، این مسئولیت اعضای شورای انقلاب که از سال ۱۳۵۷ حملات علیه بهاییان را طراحی و اجرا کرده‌اند را در بر می‌گیرد. اعضای شورای انقلاب شامل روحانیون طراز اولی مانند آیت‌الله مهدوی کنی، اکبر هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی می‌باشد.

- با وجود مسئولیت کیفری فردی برای حملات مشخص ارتکاب یافته توسط نمایندگان جمهوری اسلامی، جامعه بین‌المللی باید رژیم ایران را محکوم کرده و برای حمله به یکی از آسیب‌پذیرترین اقلیتهای مذهبی کشور مسئول بشناسد.

جمهوری اسلامی و هر شخصی که در دستور دادن، تحریک کردن، طراحی، مساعدت و همکاری، و اجرای این جنایات علیه بشریت شرکت داشته‌اند باید مسئول اعمال خود شناخته شوند. به علت اینکه اعمال رژیم نقض جدی قوانین حقوق بشر محسوب می‌شود، بر تمامی کشورهای عضو جامعه بین‌المللی واجب است تا مرتکبین این جنایت را تحت تعقیب قرار دهند.

۲. پیشگفتار

این گزارش حقوقی، دو گزارش دیگر مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «دیانتی ممنوع: آزار و تعقیب بهاییان در ایران» (۲۰۰۶) و «جامعه‌ای در تنگنا: شرح مشقات بهاییان شیراز» (۲۰۰۷)، که عملیات با پشتیبانی دولت جمهوری اسلامی بر علیه شهروندان بهایی خود را تشریح کردند را تکمیل می‌کند. دو گزارش قبلی در نهایت دقت به حقایق مربوط به هدف قرار دادن، دستگیری غیرقانونی، بازداشت طولانی مدت، شکنجه و اعدام تقریباً ۲۰۷ نفر بهایی از سال ۱۳۵۷ می‌پردازند. اولین گزارش به بررسی بدرفتاری با بهاییان در ایران به صورت تاریخی و از زمان تأسیس جمهوری اسلامی می‌پردازد. گزارش دوم یکی از مثالهای به طور اخص معروف آزار و تعقیب بهاییان در ایران را به طور کامل تشریح می‌کند.

این گزارش که ضمیمه دو گزارش قبلی می‌باشد چکیده‌ای از بررسی و تجزیه و تحلیل حقوقی اعمال و بدرفتاریهای که در آن دو گزارش مستند شده‌اند را ارائه کرده و به بحث اینکه اعمال مرتکب شده بر علیه بهاییان ایران در تعارض با اصول مشترک بشریت مطابق قوانین کیفری بین‌المللی تا حدی بوده که جنایت علیه بشریت محسوب بشوند می‌پردازد. مقامات عالی‌رتبه ایران ممکن است که هم اکنون و یا در آینده، به علت ارتکاب جنایت علیه بشریت در دادگاه‌های مختلف محاکمه و مسئول شناخته شوند.

علاوه بر این، دولت و حکومت جمهوری اسلامی، به علت تشویق و ترغیب، تحریک و اجازه اجرای این جرایم، از انجام وظیفه خود مبنی بر حمایت و حفاظت حقوق بشر همه شهروندان خود که شامل بهاییان نیز می‌شود کوتاهی کرده است. علیرغم دشواریهای سیاسی که تعقیب و محکوم کردن رژیم ایران در یک دادگاه بین‌المللی واقعی را دشوار می‌سازد، جامعه بین‌المللی باید در ادامه راه خود برای مسئول شناختن جمهوری اسلامی به علت آزار و تعقیب یکی از آسیب‌پذیرترین اقلیتهای مذهبی ایران ثابت قدم و پایدار بماند.

۳. چهارچوب قانونی جنایت علیه بشریت

با وجود اینکه میثاق یا معاهده‌ای برای تعریف مقررات و شرایط کیفری اتهام جنایت علیه بشریت به طور اختصاصی وجود ندارد، ولی این جرم مدتهاست که به عنوان یکی از جدی‌ترین جرایم در حقوق بین‌الملل مطابق حقوق بین‌الملل عرفی شناخته شده است.^۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رُم (اساسنامه رُم) که دادگاه کیفری بین‌المللی را بنیانگذاری کرد، متداولترین و قابل قبولترین تعریف «جنایت علیه بشریت» مطابق حقوق بین‌الملل عرفی را به دست می‌دهد.^۲ جمهوری اسلامی ایران به این معاهده (اساسنامه رُم) ملحق نشده است و بنابراین نمی‌تواند به آن پایبند باشد.^۳ با وجود این، مانند سایر کشورها، ایران و تمامی شهروندان آن متعهد و پایبند به حقوق بین‌الملل عرفی که ارتکاب حملاتی که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند را ممنوع می‌کند می‌باشند.^۴ بنابراین، این گزارش تجزیه و تحلیلی از ارتکاب جنایت علیه بشریت توسط دولت و رژیم ایران بر مبنای مقررات اساسنامه رُم ارائه می‌کند.

اساسنامه رُم، جنایت علیه بشریت را ارتکاب عملی کیفری «در صورتی که جزیی از حملات گسترده یا برنامه‌ریزی شده بر علیه یک گروه غیرنظامی، و با آگاهی از حمله صورت پذیرفته باشد» تعریف می‌کند.^۵ اعمال فهرست شده به عنوان جنایت علیه بشریت شامل قتل، نسل‌کشی، برده‌سازی، تبعید یا انتقال اجباری جمعیت، زندانی کردن یا محروم کردن شدید آزادی فیزیکی در تناقض با اصول اساسی حقوق بین‌الملل، شکنجه، تجاوز به عنف و سایر اشکال جرائم جنسی، آزار و تعقیب بر علیه هر گروه قابل شناسایی و یا بر مبنای

^۱ برای مثال نگاه کنید به بت ون شاک، «جنایت بدون قانون: قانونگذاری قضایی در تقاطع قانون و اخلاق» [Beth Van Schaack, *Crimen Sine*] و [INTERNATIONAL CRIMINAL LAW] ص. ۹۱ (۲۰۰۳)؛ آنتونیو کسسیسی، پاولا گیتا و جان آر. دلبیودی. ژوئنز، «اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی وجود این، مطابق اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رُم جنایت علیه بشریت یکی از جرایم فهرست شده که صلاحیت و اختیار دادگاه برای استماع قضیه‌ای که در آن مطرح است را موجب می‌شود می‌باشد. «اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رُم» [Rome Statute of the International Criminal Court]، ماده ۷، به اجرا گذاشته شده در ۱۰ تیر ۱۳۸۱ (۱ ژوئیه ۲۰۰۲)، معاهدات سازمان ملل، شماره ۲۱۸۷، بخش ۹۰ [2187 U.N.T.S. 90] از این به بعد: «اساسنامه رُم».

^۲ «اساسنامه رُم»، ماده ۷، رک. زیرنویس ۱. همچنین نگاه کنید به آنتونیو کسسیسی، «حقوق کیفری بین‌المللی» [ANTONIO CASSESE, *INTERNATIONAL CRIMINAL LAW*] ص. ۹۱ (۲۰۰۳)؛ آنتونیو کسسیسی، پاولا گیتا و جان آر. دلبیودی. ژوئنز، «اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رُم: تفسیر حقوقی» [ANTONIO CASSESE, PAOLA GAETA AND JOHN R.W.D. JONES, *THE ROME STATUTE OF THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT: A COMMENTARY*]، ص. ۳۷۳ (۲۰۰۲).

^۳ در هر صورت صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی از نظر زمانی از ۱۰ تیر ۱۳۸۱ (۱ ژوئیه ۲۰۰۲) شروع می‌شود و بنابراین این دادگاه نمی‌تواند جرایمی که قبل از این تاریخ صورت پذیرفته‌اند را تحت تعقیب قرار دهد. «اساسنامه رُم»، ماده ۱۱، رک. زیرنویس ۱.

^۴ حقوق بین‌الملل عرفی، یکی از قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین منابع حقوق بین‌الملل است که از نحوه عملکرد دولتها به صورت شایع و متداول و در مدت زمانی طولانی شکل گرفته است؛ و اگرچه می‌تواند ولی لازم نیست که به صورت قانون در معاهدات بین‌المللی انعکاس یابد. برای مثال نگاه کنید به کسسیسی، رک. زیرنویس ۲، صص. ۲۸-۳۰. تعدادی از اصول حقوق بین‌المللی عرفی از جمله منع جنایت علیه بشریت، بردگی و نسل‌کشی، آنقدر اساسی هستند که هیچ دولتی نمی‌تواند خودش را از رعایت به آنها مستثنی نماید. نگاه کنید به کارن پارکر و همکاران، «اصول و ضوابط لازم الزامی رعایه حقوق بین‌الملل: ضروری ساختن قانون حقوق بشر» [Karen Parker et al., *Jus Cogens: Compelling the Law of Human Rights*].

^۵ ژورنال حقوق تطبیقی و بین‌الملل هیستینگز، شماره ۱۲، ص. ۴۱۱ (۱۹۸۹). اساسنامه رُم، حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص ممنوعیت جنایت علیه بشریت را به صورت قانون در آورده است، همان‌طور که این حقوق از زمان جنگ جهانی دوم متحول شده است. اساسنامه رُم، مواد ۸-۵، رک. زیرنویس ۱. اساسنامه دادگاه نورنبرگ اولین تعریف «جنایت علیه بشریت» را به دست داده و تعقیب مرتکبین جنایت علیه بشریت برای اولین بار در زمان فعالیت این دادگاه صورت پذیرفته است. نگاه کنید به «اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی، توافقنامه برای تعقیب و مجازات مجرمین اصلی جنگ کشورهای اروپایی متحد» [Charter of the International Military Tribunal, in Agreement for the Prosecution and Punishment of the Major War Criminals of the European Axis]، ماده (۳) ۶، ۱۷ مرداد ۱۳۲۴ (۸ اوت ۱۹۴۵)، 58 Stat. 1544, E.A.S. No. 472, 82.

^۶ U.N.T.S. 280. اخیراً شورای امنیت سازمان ملل، دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) را در سال ۱۹۹۳ و دیوان کیفری بین‌المللی رواندا (ICTR) را در سال ۱۹۹۴ تأسیس کرد تا علاوه بر سایر جرایم، ارتکاب جنایت علیه بشریت در زمان درگیریها در آن مناطق را مورد تعقیب قرار دهند. نگاه کنید به قانون دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، پیوست به قطعنامه ۸۲۷، قطعنامه شورای امنیت ۸۲۷، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، نشست ۴۸، جلسه ۳۲۱۷ [S/RES/927, UN SCOR, 48th sess., 3217th mtg.]، سند سازمان ملل (۱۹۹۳)؛ قانون دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، پیوست به قطعنامه ۸۲۷، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، نشست ۴۹، جلسه ۳۴۵۳ [S/RES/955, UN SCOR, 49th sess., 3453rd mtg.]، سند سازمان ملل (۱۹۹۴). به علت اینکه این دیوانها فهم و درک حقوقی جنایت علیه بشریت را به طور زیادی گسترش و بسط دادند، این گزارش به مقدار زیادی به رویه قضایی و تصمیمات و آرای این دادگاه‌ها استناد و تکیه می‌کند.

^۷ اساسنامه رُم، ماده (۱) ۷، رک. زیرنویس ۱.

زمینه‌های سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی و یا سایر زمینه‌ها، و سایر اعمال غیرانسانی با خصوصیات مشابه که به صورت عمدی باعث رنج زیاد و یا صدمه جدی شوند، می‌باشند.^۶

همان طور که تعریف فوق آشکار می‌کند، آنچه جنایت علیه بشریت را از سایر جرایم متمایز می‌نماید شرایط و اوضاع و احوالی است که جرم در آن واقع می‌شود—به این معنا که عمل ممنوعه جزیی از یک سری حملات گسترده یا برنامه‌ریزی شده بر علیه یک گروه غیرنظامی می‌باشند. اساسنامه رُم «حمله» را «یک سری اعمال و رفتار که با ارتکاب متعدد اعمال [فهرست شده] برای پیشبرد و تحقق سیاست یک دولت و یا یک سازمان صورت می‌گیرد»^۷ تعریف می‌کند. لازم نیست که حمله در سطح وسیع صورت پذیرد^۸ بلکه یک عمل منفرد نیز می‌تواند جنایت علیه بشریت محسوب شود.^۹ نهایتاً، حمله باید عموماً یک گروه غالباً غیرنظامی را مورد هدف^{۱۰} قرار دهد.^{۱۱}

۴. جنایت علیه بشریت بر علیه بهائیان ایران

این گزارش ارتکاب جنایت علیه بشریت علیه بهائیان ایران توسط جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به طور اخص، این گزارش به تجزیه و تحلیل سه عنصر اساسی اتهام جنایت علیه بشریت می‌پردازد: هدف قرار دادن یک گروه غیرنظامی، حمله گسترده یا برنامه‌ریزی شده، و اعمالی که اختصاصاً به عنوان جنایت علیه بشریت فهرست شده‌اند: قتل، شکنجه، زندان و آزار و تعقیب. این تجزیه و تحلیل به نوبه خود و به طور قاطعانه پیشنهاد می‌کند که هدف قرار دادن، دستگیریهای غیرقانونی، بازداشت‌های طولانی مدت، شکنجه و اعدام‌های بدون تشریفات دادرسی اعضای جامعه بهایی ایران توسط جمهوری اسلامی جنایت علیه بشریت محسوب شود.^{۱۲}

۴.۱. حملات علیه یک گروه و جمعیت غیرنظامی

جنایت علیه بشریت بر علیه یک گروه غیرنظامی صورت می‌پذیرد.^{۱۳} بهائیان ایران یک گروه غیرنظامی می‌باشند. افراد غیرنظامی «کسانی هستند که به هیچ صورت فعالی به ... مبارزه نمی‌پردازند».^{۱۴} هیچ مدرکی دال

^۶ همان، ماده (۲)۷، ر.ک. زیرنویس ۱. اساسنامه رُم همچنین اعمال دیگری را لیست می‌کند که به تجزیه و تحلیل ما مربوط نیست، و صاحب نظران بر این باورند که در حقوق بین‌الملل عرفی ممنوع شناخته نشده‌اند. برای مثال نگاه کنید به کسبسی، ر.ک. زیرنویس ۲، ص. ۹۴.
^۷ اساسنامه رُم، ماده (۲)۷، ر.ک. زیرنویس ۱؛ همچنین نگاه کنید به «دادستان علیه کوناراج و همکاران» [Prosecutor v. Kunarac et al.]، شماره پرونده IT-96-23-T و IT-96-23/1-T، پاراگراف ۴۱۵ (۲۲ فوریه ۲۰۰۱).

^۸ نگاه کنید به گوآنول مترو، «جرایم بین‌المللی و دادگاه‌های ویژه» [GUÉNAËL METTRAUX, INTERNATIONAL CRIMES AND THE AD HOC TRIBUNALS]، ص. ۱۶۱ (۲۰۰۵) (که مثالهای متعددی از پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) و دیوان کیفری بین‌المللی پرواندا (ICTR) که حمله بر علیه جوامع کوچک جنایت علیه بشریت محسوب شده است را بر می‌شمرد).

^۹ «دادستان علیه مرکزیچ و همکاران» [Prosecutor v. Mrksic et al.]، شماره پرونده IT-95-13-R61، تجدیدنظر در کیفرخواست مطابق قاعده ۶۱ قانون آیین دادرسی، پاراگراف ۳۰، (۳ آوریل ۱۹۹۶).

^{۱۰} «دادستان علیه کوناراج و همکاران» [Prosecutor v. Kunarac et al.]، شماره پرونده IT-96-23-A و IT-96-23/1-A، حکم دادگاه، پاراگراف ۹۱ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۵)، همچنین نگاه کنید به مترو، ر.ک. زیرنویس ۸، ص. ۱۶۴.

^{۱۱} نگاه کنید به «دادستان علیه لیمائز و همکاران» [Prosecutor v. Limaj et al.]، شماره پرونده IT-03-66-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۱۸۶ (۳۰ نوامبر ۲۰۰۵).

^{۱۲} برای توضیح کلی در مورد جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «محکوم توسط قانون: ترور پرون مرزی مخالفان سیاسی»، صص. ۳۳-۲۸ (۲۰۰۸) [از این به بعد: «محکوم توسط قانون»].

^{۱۳} «دادستان علیه سمانزا» [Prosecutor v. Semanza]، شماره پرونده ICTR-97-20-T، حکم دادگاه و مجازات، پاراگراف ۳۳۰ (۱۵ مه ۲۰۰۳).

^{۱۴} «دادستان علیه آکایسو» [Prosecutor v. Akayesu]، شماره پرونده ICTR-96-4-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۵۸۲، (۲ سپتامبر ۱۹۹۸). وجود جنگ یا «درگیری مسلحانه» به طور کلی عنصر لازمه جنایت علیه بشریت نیست. «دادستان علیه دوشکو تادیچ» [Prosecutor v. Dusko Tadic]، شماره پرونده IT-94-1-A، تصمیم در مورد لایحه دفاع برای تجدیدنظرخواهی ضمنی در مورد صلاحیت، پاراگراف ۱۴۱ (۲ اکتبر ۱۹۹۵).

بر اینکه بهاییان ایران به صورت فعال به مبارزه علیه جمهوری اسلامی یا هیچ دولت دیگری پرداخته‌اند وجود ندارد.^{۱۵} علیرغم این امر، رژیم جمهوری اسلامی ایران همواره بر این باور بوده که فرقه بهائیت یک سازمان سیاسی است (و نه یک گروه مذهبی مشروع) که امنیت جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند.^{۱۶} با این وجود، دولت جمهوری اسلامی هیچ مدرک قابل قبولی برای ثبوت این ادعا نسبت به جامعه بهایی ارائه نداده است. اگرچه این امر درست است که بهاییان ایران مخالف بسیاری از سیاستهای رژیم ایران می‌باشند—شامل سیاستهایی که جامعه بهایی را مورد هدف قرار می‌دهند—اما فعالیتهای سیاسی یا مذهبی آنها بهاییان را از وضعیت غیرنظامی بودن در تعریف جنایت علیه بشریت خارج نمی‌کند.^{۱۷}

مطابق اساننامه رُم و حقوق بین‌الملل عرفی، بهاییان ایران همچنین جمعیتی «محدود یا افرادی به طور اتفاقی و شانسی انتخاب شده»^{۱۸} نیستند. مخصوصاً که بهاییان ایران از «یک گروه مستقل افراد که خواه از نظر جغرافیایی و خواه در نتیجه سایر ویژگیهای مشترک گرد هم آمده‌اند تشکیل شده است».^{۱۹} بنابراین واضح است که مورد هدف قرار دادن برنامه‌ریزی شده این گروه که دارای دیانت مشترک می‌باشند توسط رژیم ایران، مشمول تعریف «گروه و جمعیت» تحت حقوق بین‌الملل عرفی می‌شود. هدف قرار دادن مکرر رهبران جامعه بهایی ایران توسط رژیم، مدرک و دلیل محکمتری بر عملیات عمدی ارباب و ترور علیه این گروه و جمعیت غیرنظامی را به دست می‌دهد.^{۲۰}

۴.۲. حمله گسترده یا برنامه‌ریزی شده

برای اینکه رفتاری مجرمانه جنایت علیه بشریت محسوب شود، باید جزیی از یک حمله گسترده یا برنامه‌ریزی شده باشد و «عملی خشونت‌آمیز خودسرانه» نباشد.^{۲۱} کلمه «گسترده» به میزان و وسعت دامنه حمله می‌پردازد که می‌تواند یک سری اعمال یا عملی منفرد ولی با تأثیر زیاد باشد.^{۲۲} «برنامه‌ریزی شده» به این معناست که

^{۱۵} گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه اعدامهای خودسرانه یا بدون رعایت تشریفات کامل دادرسی لازم می‌داند که «توجه ویژه» برای قتل‌های فراقتضایی بر علیه افرادی که در «فعالیت‌های مسالمت‌آمیز در دفاع از حقوق بشر» شرکت داشته‌اند صورت پذیرد. حقوق مدنی و سیاسی شامل مسئله ناپدید شدن و اعدامهای بدون رعایت تشریفات کامل دادرسی (گزارش مورخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴ گزارشگر ویژه)، پاراگراف (f) ۷، سند سازمان ملل E/CN.4/2005/7 (۲۲ دسامبر ۲۰۰۴). همچنین نگاه کنید به زیرنویس ۵۰ و متن مربوط به آن (که نقش گزارشگر ویژه در زمینه اعدامهای خودسرانه یا بدون رعایت تشریفات کامل دادرسی را مورد بحث قرار می‌دهد).

^{۱۶} برای مثال نگاه کنید به اطلاعیه رسمی، جمهوری اسلامی ایران—هیئت دائمی سازمان ملل، بهائیت فی نفسه مبنای آزار و تعقیب نیست - آیت‌الله موسوی (۶ آذر ۱۳۶۴ - ۲۷ نوامبر ۱۹۸۵) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران). سند مقرر می‌دارد که: «بهائیت به طور اختصاصی یک فرقه مذهبی نیست بلکه یک گروه سیاسی وابسته به آمریکا و اسرائیل می‌باشد و خود را وقف پیشبرد اهداف استعماری آنها در ایران کرده است. بهائیت در ایران به عنوان یک فرقه با عمدتاً سیاسی در اواسط قرن نوزدهم توسط گروه‌هایی که علاقمند به پیشبرد اهداف استعمارگرانه دولت انگلیس در کشور بودند معرفی شد». همان‌جا این حال در سایر موارد دولت ایران به جامعه بهایی به عنوان یک فرقه مخالف رژیم یا گمراه ارجاع داده است که بیانگر این امر می‌باشد که آنها به خصوصیت غیرنظامی بودن آن اذعان دارند. برای مثال نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «دیانتی ممنوع: آزار و تعقیب بهاییان در ایران»، زیرنویس ۲۹۷ و متن مربوط به آن (۲۰۰۶) [از این به بعد: «دیانتی ممنوع»].

^{۱۷} «دادستان علیه همکاران» [Prosecutor v. Mrksic et al.]، شماره پرونده IT-95-13-R61، تجدیدنظر در کیفرخواست مطابق قاعده ۶۱ قانون آیین دادرسی، پاراگراف ۲۹ (۳ آوریل ۱۹۹۶).

^{۱۸} «دادستان علیه کوناراچ و همکاران» [Prosecutor v. Kunarac et al.]، شماره پرونده IT-96-23-A و IT-96-23/1-A، حکم دادگاه، پاراگراف ۹۰ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۲)؛ همچنین نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶، صص. ۳۵-۲۳.

^{۱۹} گوآنوتل مترو، جنایت علیه بشریت در مجموعه آراء و تصمیمات قضایی دیوانهای کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و روآندا [Guénaël Rwanda]، ژورنال حقوق بین‌الملل هاروارد، شماره ۴۳، صص. ۲۳۷ و ۲۵۵ (۲۰۰۲).

^{۲۰} نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶، ص. ۲ (۲۰۰۶).

^{۲۱} «دادستان علیه آکایسو» [Prosecutor v. Akayesu]، شماره پرونده ICTR-96-4-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۵۷۹ (۲ سپتامبر ۱۹۹۸) (که به این امر توجه می‌دهد که این شرط تعیین‌کننده می‌باشد)، همچنین نگاه کنید به «دادستان علیه دوسکو تادیچ» [Prosecutor v. Dusko Tadic]، ص. ۱۴۱، شماره پرونده IT-94-1-T، حکم دادگاه، پاراگراف‌های ۶۴۶ و ۶۴۸ (۷ مه ۱۹۹۷)، «دادستان علیه کوناراچ و همکاران» [Prosecutor v. Kunarac et al.]، شماره پرونده IT-96-23-A & IT-96-23/1-A، حکم دادگاه، پاراگراف ۹۴ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۲)، «دادستان علیه بلاسکیچ» [Prosecutor v. Blaskic]، شماره پرونده IT-95-14-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۲۰۳ (۳ مارس ۲۰۰۰).

^{۲۲} «دادستان علیه آکایسو» [Prosecutor v. Akayesu]، شماره پرونده ICTR-96-4-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۵۷۹ (۲ سپتامبر ۱۹۹۸).

حمله «به صورت سازمان یافته بوده و از الگویی منظم و دائمی بر اساس یک سیاست مشترک پیروی می‌کند».^{۲۳} با این حال ضروری نیست که حمله جزئی از یک سیاست رسمی باشد یا به طور صریح در سیاست‌گذاریهای دولت منعکس شده باشد تا برنامه‌ریزی شده محسوب شود - ماهیت برنامه‌ریزی شده بودن حمله می‌تواند غیررسمی باشد و از نحوه وقوع اعمال استنباط شود.^{۲۴} دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) و دیوان کیفری بین‌المللی رواندا (ICTR) حملات برنامه‌ریزی شده را بر پایه عوامل بسیاری شناسایی کرده‌اند، از جمله روش ساختاری انجام اعمال، تأسیس و بنیانگذاری سازمانهایی برای به اجرا در آوردن سیاست حملات، درگیر بودن مقامات سیاسی یا نظامی، و استفاده از منابع مالی، نظامی و یا سایر منابع.^{۲۵}

حملات جمهوری اسلامی علیه جامعه بهایی ایران از سال ۱۳۵۷ خصوصیت گسترده و برنامه‌ریزی شده را دارا می‌باشند. تأثیر مضاعف و مورد نظر این حملات گسترده، ترساندن و ارعاب این گروه اقلیت که از پیش آسیب‌پذیر بود و وادار کردن آنها به فرمانبرداری و تسلیم بوده است. همان طور که در گزارشهای پیشین مرکز تشریح شد، در شهرهای مختلف ایران شامل تهران، یزد، قزوین، همدان، تبریز و شیراز، طی ۳۰ سال گذشته بهاییان هدف یورش دائمی سپاه پاسداران به خانه‌های خود، مصادره اموال، دستگیری، بازداشت و اعدام به علت خودداری از ترک دین قرار گرفته‌اند.^{۲۶} همچنین، حملات سازمان یافته رژیم علیه این جامعه برنامه‌ریزی شده نیز بودند. از زمان تأسیس جمهوری اسلامی، دولت ایران سرکوب و در نهایت از بین بردن جامعه بهایی را در دستور کار خود قرار داده که یکی از تاکتیکها مورد استفاده آنها جلوگیری از شرکت بهاییان در بخشهای آموزشی و استخدامی کشور بوده است.^{۲۷} به گفته دولت، چنین محرومیت‌هایی «مجازات» مناسبی برای عضویت در فرقه‌های منسوب به ارتداد می‌باشد.^{۲۸} بخشنامه زیر از وزارت کار و امور اجتماعی چنین نگرش و طرز تفکری را روشن می‌سازد:

طبق بند ۸ ماده ۲۹ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ مجلس شورای اسلامی، مجازات عضویت فرقه ضاله که به اجماع مسلمین خارج از اسلام شناخته شده‌اند و یا عضویت در سازمانهایی که مرامنامه و اساسنامه آنها بر نفی ادیان الهی مبتنی باشد انفعال دائم از خدمات دولتی خواهد بود.^{۲۹}

^{۲۳} «دادستان علیه آکایسو» [Prosecutor v. Akayesu]، شماره پرونده ICTR-96-4-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۵۸۰ (۲ سپتامبر ۱۹۹۸)؛ همچنین نگاه کنید به «دادستان علیه کوناراج و همکاران» [Prosecutor v. Kunarac et al.]، شماره پرونده IT-96-23/1-A & IT-96-23-A، حکم دادگاه، پاراگراف ۹۴ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۲) (که به «دادستان علیه تادیچ» [Prosecutor v. Tadic]، شماره پرونده IT-96-1-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۶۴۸ (۷ مه ۱۹۹۷) ارجاع می‌دهد). دادگاه در پرونده کوناراج به این امر توجه کرد که «نحوه اجرا و طراحی جرایم - که ارتکاب مکرر اعمال مجرمانه مشابه به صورت غیراتفاقی و به نحوی منظم و دائمی می‌باشد - ویژگی مشترک چنین وقایع برنامه‌ریزی شده‌ای می‌باشند». «دادستان علیه کوناراج و همکاران» [Prosecutor v. Kunarac et al.]، شماره پرونده ICTR-96-23/1-T & IT-96-23-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۹۴ (۲۲ فوریه ۲۰۰۱).
^{۲۴} «دادستان علیه تادیچ» [Prosecutor v. Tadic]، شماره پرونده IT-96-1-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۶۵۳ (۷ مه ۱۹۹۷)؛ «دادستان علیه آکایسو» [Prosecutor v. Akayesu]، شماره پرونده ICTR-96-4-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۵۸۰ (۲ سپتامبر ۱۹۹۸).
^{۲۵} «دادستان علیه یلیسیچ» [Prosecutor v. Jelusic]، شماره پرونده IT-95-10-T، حکم دادگاه، (۷ مه ۱۹۹۷)؛ «دادستان علیه آکایسو» [Prosecutor v. Akayesu]، شماره پرونده ICTR-96-4-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۵۸۰ (۲ سپتامبر ۱۹۹۸)؛ «دادستان علیه کوناراج و همکاران» [Prosecutor v. Kunarac et al.]، شماره پرونده IT-96-23/1-A & IT-96-23-A، حکم دادگاه، پاراگراف ۹۴ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۲)؛ «دادستان علیه بلاسکیچ» [Prosecutor v. Blaskic]، شماره پرونده IT-95-14-T، پاراگراف ۱۰۱ (۳ مارس ۲۰۰۰)؛ «دادستان علیه لیماژ و همکاران» [Prosecutor v. Limaj]، شماره پرونده IT-03-66-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۱۸۳ (۳۰ نوامبر ۲۰۰۵)؛ «دادستان علیه نتاکیروتیمانانا» [Prosecutor v. Ntakirutimana]، شماره پرونده ICTR-96-10 & ICTR-96-17-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۸۰۴ (۲۱ فوریه ۲۰۰۳)؛ «دادستان علیه نی‌تی‌تگکا» [Prosecutor v. Niyitegeka]، شماره پرونده ICTR-96-14-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۴۳۹ (۱۶ مه ۲۰۰۳).
^{۲۶} نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶، صص. ۳۳-۲۷.
^{۲۷} همان، صص. ۴۹-۴۸.
^{۲۸} برای مثال نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶، پیوستهای ۹-۳ (که به جزئیات اعمال سایر مقامات دولتی بر علیه اعضای جامعه بهایی می‌پردازد). همان، صص. ۴۳.

بخشنامه‌های مشابهی توسط وزارت آموزش به دانشگاه‌ها و حتی تعدادی دبیرستان، به عنوان بخشی از یک عملیات ملی به منظور پاکسازی بهاییان از تمامی سازمانهای دولتی و آموزشی در سراسر کشور فرستاده شدند.^{۳۰}

۴.۳. اعمال مشمول جنایت علیه بشریت

از میان اعمالی که جنایت علیه بشریت علیه بهاییان ایران محسوب می‌شوند، این گزارش بر چهار نمونه از بدترین و غیرقابل بخشش‌ترین آنها تمرکز می‌کند: قتل، شکنجه، زندان، و آزار و تعقیب. برای هر یک از این اتهامات، باید نشان داده شود که مرتکبین می‌دانستند که اعمال مجرمانه، یا هدف انجام آنها، بخشی از حمله گسترده و برنامه‌ریزی شده بر علیه یک جمعیت غیرنظامی بوده است.^{۳۱}

قتل

«قتل» به عنوان جنایت علیه بشریت، عمل یا ترک عمل با نیت کشتن یا ایراد صدمه شدید بدنی که منتج به مرگ باشد (یا با دانش مستدل و کافی که مرگ صورت خواهد پذیرفت) تعریف شده است.^{۳۲} همان طور که در گزارشهای پیشین مرکز اسناد حقوق بشر ایران به طور مفصل شرح داده شد، حدود ۲۰۷ بهایی بین سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۶۵ به دلیل اعتقادات مذهبی خود اعدام شده‌اند.^{۳۳} بیشتر این اعدامها متعاقب محاکمات خودسرانه و بدون رعایت تشریفات دادرسی توسط دادگاه‌های انقلاب صورت پذیرفت، در حالی که «متهمین» غالباً بدون برخورداری از کمک مشاور حقوقی محکوم شده بودند.^{۳۴} پرونده بهمن سمندری نمایانگر این مدعا است. آقای سمندری یک بهایی بود که با اتهام جاسوسی فردای روز دستگیری اعدام گردید.^{۳۵} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پرونده آقای سمندری را مورد بررسی قرار داد و یکی از اعضای این کمیته اعلام کرد که آقای سمندری

توسط یک دادگاه انقلاب اسلامی و بدون برخورداری از مساعدت وکیل، متعاقب محاکمه‌ای بدون رعایت تشریفات دادرسی محکوم و اعدام شد. چنین موردی کاملاً مغایر با مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی [که حداقل استانداردهای تشریفات قانونی دادرسی را تعیین می‌کند] بود ... کافی نیست که حکم دادگاه وجود داشته باشد؛ تضمینهای قانونی متعدد دیگر نیز باید رعایت شوند.^{۳۶}

به طور مشابه، ۲۲ بهایی در سال ۱۳۶۱ در شیراز دستگیر، به مدت ۹ ماه بازداشت و به جرم عضویت در «فرقه ضاله بهائیت» و بدون رعایت تشریفات حقوقی محاکمه و اعدام شدند.^{۳۷} بازجویی، محاکمه و اعدام آنها در زندان و بدون حضور وکیل صورت پذیرفت.^{۳۸} شاهدان عینی گواهی دادند که تعدادی از محاکمات بیش از ده تا

^{۳۰} نگاه کنید به همان، صص. ۴۵-۴۳؛ همچنین نگاه کنید به همان، پیوست ۱.

^{۳۱} اساسنامه رُم، ماده (۱)(a)، ر.ک. زیرنویس ۱.

^{۳۲} برای مثال نگاه کنید به «دادستان علیه بلاگوییچ و یکیچ» [Prosecutor v. Blagojevic and Jokic]، شماره پرونده JT-02-60-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۵۵۶ (۱۷ ژانویه ۲۰۰۵).

^{۳۳} به طور کلی نگاه کنید به دیانتی ممنوع، ر.ک. زیرنویس ۱۶.

^{۳۴} همان.

^{۳۵} کمیسر یای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، گاه شمار وقایع مربوط به بهاییان ایران [United Nations High Commissioner for Refugees, Chronologies of Bahai's in Iran]، ۲۰۰۴، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/country..MARF..IRN..469f38a3c.0.html> (تاریخ دسترسی: ۲۸ اکتبر ۲۰۰۸).

^{۳۶} کمیته حقوق بشر سازمان ملل [U.N. Human Rights Comm.]، خلاصه یادداشت‌های دومین جلسه نشست ۱۲۵ [Summary Record of the 125 2nd Meeting]، ص. ۳، سند سازمان ملل CCPR/C/SR.1251 (۲۷ ژوئن ۱۹۹۴).

^{۳۷} به طور کلی نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «جامعه‌ای در تنگنا: شرح مشقات بهاییان شیراز» (۲۰۰۷) [از این به بعد: «جامعه‌ای در تنگنا»].

^{۳۸} همان، صص. ۳۹-۱۱.

پانزده دقیقه طول نکشیدند.^{۳۹} به هر قربانی فقط فرصت توبه جویی از دین خود داده شد و در صورت امتناع به مرگ محکوم شد.^{۴۰} رئیس قوه قضاییه وقت، آیت‌الله موسوی اردبیلی، احکام اعدام آنها را تأیید نمود.^{۴۱}

اگرچه این اعدامها توسط دولت و قوه قضاییه تصویب و اجرا شدند، اما طی ۳۰ سال گذشته اعدامهای بسیاری از بهاییان (و حتی بیشتر آنها) توسط رژیم که فاقد تشریفات دادرسی بودند حداقل استانداردهای بین‌المللی برشمرده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) که ایران آن را امضاء کرده است را زیر پا می‌گذارند.^{۴۲} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (به همراه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR)) دولتهای عضو را متعهد به انجام اعمال مثبتی، شامل وظیفه بنیادین اجرای قوانین ملی به منظور «اثر بخشیدن به حقوق شناخته شده» در این میثاق و وظیفه فراهم کردن «راه‌های مؤثر» در صورتی که تخلف از این وظایف صورت پذیرفت، می‌نماید.^{۴۳} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که تمامی دولتهای عضو «به همه افرادی که در درون کشور و در قلمرو صلاحیت آنها بوده احترام گذاشته و اطمینان حاصل کنند» که تمامی حقوق شناخته شده در این میثاق بدون در نظر گرفتن «نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا دیگر عقاید، تعلق ملی یا اجتماعی، دارایی، محل تولد و یا سایر شئون» تحقق می‌یابد.^{۴۴}

هر کدام از اعدامهای اعضای جامعه بهایی که در تقابل با استانداردهای مندرج در مواد ۴۵، ۴۹، و ۴۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اجرا شده است می‌تواند کشتار فراقضایی (یا قتل) شناخته شده و جنایت علیه بشریت محسوب شود. علاوه بر این، کمیته حقوق بشر سازمان ملل وظیفه ذاتی و لاینفک منعکس در ماده ۶ میثاق برای جلوگیری از کشتارهای فراقضایی (مانند قتل) را به رسمیت شناخته و توجه می‌دهد که دولتهای عضو «باید نه تنها معیارهایی برای جلوگیری و مجازات محرومیت از حق حیات از طریق اعمال مجرمانه اعمال نمایند، بلکه باید از کشتار خودسرانه توسط نیروهای امنیتی خود نیز جلوگیری کنند».^{۴۸} در واقع، تفسیر عمومی کمیته از وظایف قانونی دولتهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به طور صریح بیان می‌کند که

^{۳۹} همان، ص. ۳۸.

^{۴۰} همان، صص. ۳۲-۳۴.

^{۴۱} همان، ص. ۳۸ (که این امر را که احکام اعدام باید توسط تهران تأیید شوند را مورد بحث قرار می‌دهد).

^{۴۲} نگاه کنید به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی [International Covenant on Civil and Political Rights]، ماده (۱) ۶، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، معاهدات سازمان ملل، شماره ۹۹۹، بخش ۱۷۱ [999 U.N.T.S. 171] [از این به بعد: «میثاق حقوق مدنی و سیاسی»]؛ همچنین نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۱۹-۱۱ (که کشتارهای فراقضایی و حمایت‌های تضمین شده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را به طور مفصل شرح می‌دهد).

^{۴۳} میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲، رک. زیرنویس ۴۲؛ همچنین به طور کلی نگاه کنید به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی [International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights]، سند سازمان ملل A/6316 (۱۹۶۶)، معاهدات سازمان ملل، شماره ۹۹۳، بخش ۳ [993 U.N.T.S. 3]، به اجرا گذاشته شده در ۳ ژانویه ۱۹۷۶.

^{۴۴} میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲، رک. زیرنویس ۴۲.

^{۴۵} ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که «هر انسانی به طور ذاتی حق حیات را به ارث می‌برد. این حق باید توسط قانون حمایت شود. هیچکس نباید به صورت خودسرانه از حق حیات محروم شود». میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶، رک. زیرنویس ۴۲. برای تجزیه و تحلیل حقوقی وسیعتر در مورد ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۱۴-۱۲.

^{۴۶} ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که دولتهای عضو باید آیین دادرسی و «تشریفات قانونی دادرسی» را به طور جدی و اساسی رعایت کنند قبل از اینکه بتوانند حق حیات (یا آزادی) یک شخص را محدود، مختل و یا از بین ببرند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹، رک. زیرنویس ۴۲. به طور اخص، ماده ۹ «حق برخورداری از آزادی و امنیت شخصی» را به صورت گسترده و فراگیر شامل می‌شود و دستگیری خودسرانه و غیرقانونی، بازداشت طولانی مدت یا محرومیت از آزادی به وسیله دولتهای عضو و یا نیروهای امنیتی آنها را ممنوع می‌کند. همان. برای تجزیه و تحلیل حقوقی بیشتر و وسیعتر در مورد ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۱۸-۱۴.

^{۴۷} ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی گرفتن حق حیات شخص را در غیاب «دادرسی عادلانه» ممنوع می‌کند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴، رک. زیرنویس ۴۲. میثاق مقرر می‌دارد که تمامی افراد «استحقاق یک دادرسی عادلانه و به صورت عمومی که توسط یک دادگاه واجد صلاحیت، مستقل و بی‌طرف که قانون تأسیس کرده را دارا می‌باشند». همان. برای تجزیه و تحلیل حقوقی وسیعتر در مورد ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نگاه کنید به «محکوم توسط قانون»، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۱۸-۱۴.

^{۴۸} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی ۶، «حق حیات» [The Right to Life]، پاراگراف ۳، سند سازمان ملل HRI/GEN/1/Rev.1، ص. ۶ (۱۹۹۴).

قصور و کوتاهی مکرر از مجازات و جلوگیری از کشتارهای فراقضایی می‌تواند جنایت علیه بشریت تلقی شود.^{۴۹}

با توجه به موارد فوق‌الذکر، واضح است که دولت ایران در تعارض با وظیفه خود تحت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به طور مداوم تضمینهای منعکس شده در این میثاق در خصوص حق حیات را زیر پا گذاشته است.^{۵۰} رژیم ایران نه تنها در جلوگیری از ارتکاب کشتارهای فراقضایی توسط نیروهای امنیتی خود قصور کرده بلکه به طور فعال چنین اعمالی را تشویق و ترغیب نموده است.

شکنجه

مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، منع استفاده از شکنجه یکی از مهمترین اصول اساسی است که دولتها نمی‌توانند خود را از آن مستثنا کنند و باید تا حد ممکن موارد استفاده از شکنجه را تحت تعقیب یا در صورت لزوم استرداد قرار دهند.^{۵۱} مسئولیت جلوگیری از اعمال شکنجه و تحت تعقیب قرار دادن یا استرداد مرتکبین مشمول جمهوری اسلامی ایران نیز می‌شود.

شکنجه به عنوان جنایت علیه بشریت از سه بخش اساسی تشکیل شده است: (۱) عمل یا ترک عمل عمدی؛ (۲) که درد یا رنج شدید، خواه فیزیکی یا روانی ایجاد کند؛ (۳) و برای دستیابی به یک هدف ممنوعه صورت پذیرد.^{۵۲} اهداف ممنوعه که در کنوانسیون منع شکنجه بر شمرده شده‌اند شامل گرفتن اطلاعات یا اعتراف (از قربانی یا شخص ثالث)، مجازات، ترساندن یا اجبار، و تبعیض می‌باشند.^{۵۳}

^{۴۹} کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی ۳۱، «ماهیت مسئولیت عمومی قانونی تحمیلی بر دولتهای عضو میثاق» [Nature of the General Legal Obligation Imposed on State Parties to the Covenant]، پاراگراف ۸، سند سازمان ملل CCPR/C/21/Rev.1/Add.13 (۲۶ می ۲۰۰۴).
^{۵۰} به طور کلی نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶؛ محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲. چنین موردی در قطعنامه ۵۱/۱۰۷ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۶ که خشونت با پشتیبانی دولت و قتل‌های فراقضایی توسط جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد بیان شده است. قطعنامه مجمع عمومی ۵۱/۱۰۷ [G.A. Res 51/107]، پاراگرافهای ۱، ۶، ۹، ۱۰، سوابق رسمی مجمع عمومی سازمان ملل، نشست ۵۱ [U.N. GAOR, 51st sess.]، سند سازمان ملل A/RES/51/107 (۳ مارس ۱۹۹۷). علاوه بر قطعنامه‌های سازمان ملل، گزارشگر ویژه در زمینه اعدام‌های خودسرانه یا بدون رعایت تشریفات کامل دادرسی، تعدادی از اعدام‌های فراقضایی توسط جمهوری اسلامی در خارج از ایران را در گزارشهای خود در سالهای ۱۹۹۳، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ منعکس کرده است. نگاه کنید به «گزارش گزارشگر ویژه، آقای بکرولی ندیایه» [Report by the Special Rapporteur, Mr. Bacre Waly Ndiaye]، سند سازمان ملل E/CN.4/1994/7 (۷ دسامبر ۱۹۹۳)؛ «گزارش گزارشگر ویژه، آقای بکرولی ندیایه» [Report by the Special Rapporteur, Mr. Bacre Waly Ndiaye]، سند سازمان ملل E/CN.4/1996/4 (۲۵ ژانویه ۱۹۹۶). به همراه ارائه گزارشهای متعدد در بیان جزئیات لیست طولانی اعدام‌های با پشتیبانی دولت که اساسی‌ترین استانداردهای آیین دادرسی و تشریفات قانونی دادرسی را زیر پا می‌گذارند، حاصل کار گزارشگر ویژه محکوم کردن غاطمانه رژیم برای نادیده گرفتن وقیحانه و آشکار حمایت‌های اساسی تضمین شده در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. برای مثال نگاه کنید به دفتر کمیسیرای عالی حقوق بشر سازمان ملل، «گزارش گزارشگر ویژه» [Office of the United Nations High Commissioner on Human Rights, Report of the Special Rapporteur]، گزارش گزارشگر ویژه، سند سازمان ملل A/HRC/4/20 (۲۹ ژانویه ۲۰۰۷)؛ «پروژه در زمینه اعدام‌های فراقضایی: مرکز حقوق بشر و عدالت جهانی» [PROJECT ON EXTRAJUDICIAL EXECUTIONS, CENTER FOR HUMAN RIGHTS AND GLOBAL JUSTICE]، دانک‌شده حقوق دانشگاه نیویورک، «جمهوری اسلامی ایران: ملاقاتها و ارتباطات» [Islamic Republic of Iran: Visits and Communications]، قابل دسترسی در www.extrajudicialexecutions.org/communications/iran.html (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). برای بحث در مورد مندرجات ماده ۶ میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی، نگاه کنید به زیرنویس ۴۵ و متن مربوط به آن.

^{۵۱} شریف بصوانی، جرایم بین‌المللی: اصول لازم‌الرعایه حقوق بین‌الملل و تعهدات و حقوق افراد نسبت به آنها [Cherif Bassiouni, International Crimes: Jus Cogens and Obligatio Erga Omnes]، (۱۹۹۶). علاوه بر شکنجه، حقوق بین‌الملل عرفی سه جرم متفاوت دیگر که می‌توانند «جرایم بین‌المللی» محسوب شوند را شناسایی کرده است. برای مثال نگاه کنید به اساسنامه رم، مواد ۸-۵، رک. زیرنویس ۱. این جرایم شامل جرایم جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت می‌شوند. همچنین نگاه کنید به پارکر و همکاران [Parker et al.]، رک. زیرنویس ۴.

^{۵۲} «دادستان علیه کوناراج و همکاران» [Prosecutor v. Kunarac et. al.]، شماره پرونده IT-96-23/1-A & IT-96-23-A، حکم دادگاه، پاراگرافهای ۱۴۲، ۱۵۳ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۲).

^{۵۳} نگاه کنید به «دادستان علیه آکایسو» [Prosecutor v. Akayesu]، شماره پرونده ICTR-96-4-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۵۹۴ (۲ سپتامبر ۱۹۹۸)؛ کنوانسیون منع شکنجه و سایر مجازاتها و رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده [Convention Against Torture and Other Cruel, Inhumane or Degrading Treatment or Punishment]، سوابق عمومی مجمع عمومی سازمان ملل [U.N. GAOR Supp.]، شماره ۵۱، ص. ۱۹۷، سند سازمان ملل A/39/51، قابل دسترسی در <http://www1.umn.edu/humanrts/instreet/h2catoc.htm> (تاریخ دسترسی: ۲۵ اکتبر ۲۰۰۸). کنوانسیون منع شکنجه، حقوق بین‌الملل عرفی را منعکس و قانونمند می‌کند. نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۲۴ و ۲۸.

از اواخر دهه ۱۳۵۰، نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به طور مکرر مرتکب اعمال شکنجه علیه بهاییان شده‌اند و مدرک شکنجه دولتی علیه بهاییان ایران به صورت گسترده و برنامه‌ریزی شده می‌باشد.^{۵۴} برای مثال، معاینه و بررسی بدن ۷ بهایی که در همدان در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۶۰ اعدام شدند به وضوح اعمال شکنجه بدنی را نشان داد.^{۵۵} استخوانهای آنها شکسته شده بودند، آثار سوختگی بر روی بدن آنها وجود داشت، و پاها و دستان آنها با سرنیزه سوراخ شده بود.^{۵۶} در شیراز، بهاییانی که در بازداشت نیروهای امنیتی رژیم بودند متحمل بازجوییهای طولانی مدت، اعدام کاذب، و شلاق مکرر شده بودند.^{۵۷} شکنجه که توسط دولت تصویب و اعمال می‌شد در تلاش برای به دست آوردن اسامی و آدرس سایر بهاییان، به دست آوردن اقرارهای دروغین در رابطه با فعالیت بهاییان و ترغیب اعضای جامعه بهایی به تبری از دیانت خود صورت می‌گرفت.^{۵۸} در صورتی که دولت در وادار کردن یک متهم به تبری از دیانت خود از طریق شکنجه توفیق می‌یافت، این امر به منظور تضعیف کردن روحیه سایر بهاییان و ترغیب و تشویق آنها به تبری از دیانت خود غالباً به طور وسیع تبلیغ می‌شد.^{۵۹} همچنین اقراری که به زور و با حيله و نیرنگ اخذ شده بودند توسط رژیم مورد استفاده قرار می‌گرفتند تا رفتار و اعمال دولت علیه جامعه بهایی را توجیه کنند.^{۶۰}

حبس و زندان

مطابق اساسنامه رُم، حبس و زندان گسترده و برنامه‌ریزی شده در تناقض با اصول اساسی حقوق بین‌الملل می‌تواند به اندازه‌ای باشد که جنایت علیه بشریت محسوب گردد.^{۶۱} با این حال، برای اینکه حبس مورد نظر جنایت علیه بشریت محسوب شود، حبس یا بازداشت باید خودسرانه و «بدون رعایت تشریفات کامل دادرسی» صورت پذیرفته باشد.^{۶۲} مطابق با دیوان کیفری بین‌المللی روآندا، حبس

به عنوان جنایت علیه بشریت، به بازداشت یا محرومیت از آزادی به طور خودسرانه و یا غیرقانونی ارجاع می‌دهد. هر تجاوز جزئی به حق آزادی، عنصر اساسی حبس به عنوان جنایت علیه بشریت را تشکیل نمی‌دهد؛ محرومیت از آزادی باید به اندازه سایر جرایمی که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند شدید و جدی باشد ... به منظور ارزیابی این امر که آیا حبس، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، دادگاه می‌تواند بررسی کند که آیا دستگیری اولیه قانونی بوده است، برای مثال با در نظر گرفتن اینکه دستگیری با قرار بازداشت معتبر صورت گرفته است، یا اینکه بازداشت‌شدگان از علت بازداشت خود آگاه شده بوده‌اند یا اینکه بازداشت‌شدگان به طور رسمی محکوم شده بوده‌اند یا اینکه از حقوق خود طی مراحل دادرسی آگاه شده بوده‌اند. شعبه دادگاه همچنین می‌تواند در نظر بگیرد آیا ادامه بازداشت به

^{۵۴} نگاه کنید به جامعه‌ای در تنگنا، رک. زیرنویس ۳۷، صص. ۲۸-۲۵.

^{۵۵} دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶، ص. ۳۸.

^{۵۶} همان.

^{۵۷} جامعه‌ای در تنگنا، رک. زیرنویس ۳۷، صص. ۲۸-۱۹.

^{۵۸} جامعه‌ای در تنگنا، رک. زیرنویس ۳۷، صص. ۲۸-۱۹.

^{۵۹} نگاه کنید به جامعه‌ای در تنگنا، رک. زیرنویس ۳۷، صص. ۳۶-۳۴.

^{۶۰} نگاه کنید به همان، صص. ۲۶-۲۵.

^{۶۱} اساسنامه رُم، ماده ۷(۱)(e)، رک. زیرنویس ۱.

^{۶۲} «دادستان علیه کردیچ و چرکز» [Prosecutor v. Kordic & Cerkez]، شماره پرونده IT 95-14/2-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۱۱۶ (۲۶ فوریه ۲۰۰۱).

صورت قانونی صورت پذیرفته است یا خیر. زمانی که محرومیت از آزادی توسط حقوق داخلی کشوری توجیه می‌شود، حقوق داخلی آن کشور نباید حقوق بین‌المللی را نقض کند.^{۶۳}

از زمان تأسیس جمهوری اسلامی، بهاییان ایران با حبس به صورت خودسرانه، برنامه‌ریزی شده و گسترده توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران مواجه شده‌اند.^{۶۴} در بیشتر این حبسها حداقل ضمانتها و «تشریفات قانونی دادرسی» منعکس در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران به آن ملحق شده است نادیده گرفته شده‌اند.^{۶۵} این ضمانتها شامل حق مطلع شدن از علت دستگیری و بازداشت (در زمان دستگیری شخص) و اتهامات وارده،^{۶۶} حق رسیدگی مقدماتی به قانونی بودن بازداشت شخص،^{۶۷} و حق برخورداری از رسیدگی به موقع توسط یک دادگاه واجد صلاحیت می‌باشد.^{۶۸} این حمایتها همچنین تضمین «دادرسی منصفانه» در دادگاه و بعد از دادگاه را شامل می‌شود.^{۶۹} با توجه به این موارد، عملیات گذشته و فعلی جمهوری اسلامی در حبس بهاییان، شرایط و مقتضیات جنایت علیه بشریت منعکس در حقوق کیفری بین‌المللی را دارا می‌باشد.

همچنین از ماهیت اتهاماتی که به بهاییان وارد می‌شد می‌توان به خصوصیت غیرقانونی و خودسرانه حبس جمعی بهاییان از اواخر دهه ۱۳۵۰ پی برد. برای مثال، به علت اینکه مرکز جهانی دیانت بهایی در حیفا، اسرائیل، واقع شده که مدفن بنیانگذار دیانت بهایی است، بهاییان به طور مکرر متهم به جاسوسی و همکاری با صهیونیسم شده‌اند.^{۷۰} با این وجود، اگر زندانیان بهایی متهم به جاسوسی و همکاری صهیونیسم قبول می‌کردند که از دیانت بهایی تبری کرده و به دین اسلام بپیوندند، معمولاً آزاد می‌شدند. این امر خود دلالت بر طبیعت خودسرانه اتهامات وارده بر آنها (و دلایل غیرقانونی برای زندانی کردن آنها) می‌کند.^{۷۱} مثال بارز و فوق‌العاده مستدل بازداشت خودسرانه بهاییان، دستگیری سیمین صابری و رؤیا اشراقی در شیراز می‌باشد که متهم به «متأهل بودن» شدند.^{۷۲} چنین جرمی در قانون مجازات اسلامی ایران وجود ندارد.

مثالهای دیگر برای ثبوت ماهیت خودسرانه بودن حبسی که بهاییان ایران مرتباً متحمل شده‌اند شامل دستگیری ۵۴ جوان بهایی در شیراز در سال ۱۳۸۵ می‌شود.^{۷۳} علیرغم دریافت اجازه کتبی از سوی شورای انقلاب شیراز به منظور شرکت در یک برنامه مبارزه با بی‌سوادی برای کودکان نیازمند، این جوانان دستگیر و زندانی و متهم به تبلیغ علیه دولت گردیدند.^{۷۴} محکومیت حبس ۳ ساله ۵۰ نفر از آنها مشروط بر شرکت آنها در کلاسهای مذهبی سازمان تبلیغاتی اسلامی تعلیق شد.^{۷۵} نهایتاً و در زمان نوشتن این گزارش، هفت رهبر جامعه بهایی که در

^{۶۳} «دادستان علیه نتاگورا و همکاران» [Prosecutor v. Ntagerura et al.]، شماره پرونده ICTR-99-46-T، حکم دادگاه و مجازات، پاراگراف ۷۰۲ (۲۵ فوریه ۲۰۰۴).

^{۶۴} نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶، صص. ۳۴-۲۳.

^{۶۵} نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۱۹-۱۱ (که به بررسی عمیق کشتارهای فراقضایی و ضمانتهای مقرر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌پردازد).

^{۶۶} میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده (۲) ۹، رک. زیرنویس ۴۲.

^{۶۷} همان، ماده (۴) ۹، همچنین نگاه کنید به همان، ماده (۵) ۹ (که فقط غرامت و جبران خسارت را برای بازداشت غیرقانونی جایز می‌شمرد).

^{۶۸} همان، ماده (۳) ۹، همچنین نگاه کنید به همان، ماده (۳) ۱۴.

^{۶۹} همان، ماده ۱۴.

^{۷۰} نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶، صص. ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۴۰، ۴۷، ۵۱.

^{۷۱} جامعه‌ای در تنگنا، رک. زیرنویس ۳۷، صص. ۳۴-۳۳.

^{۷۲} همان، صص. ۱۱ و ۳۴.

^{۷۳} «ایران: سازمان عفو بین‌الملل درباره نامه رسمی درباره اقلیت بهایی توضیح می‌خواهد» [Iran: Amnesty International seeking clarification of official letter about Baha'i minority]، انتشارات، بیانیه (سازمان عفو بین‌الملل، نیویورک)، ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۶، قابل دسترسی در <http://www.amnestyusa.org/document.php?lang=e&id=ENGMD130822006> (تاریخ دسترسی: ۲۵ اکتبر ۲۰۰۸).

^{۷۴} همان.

^{۷۵} «گزارش سالیانه سال ۲۰۰۸ کمیسیون بین‌المللی آزادی مذهب ایالات متحده آمریکا—سایر کشورها در لیست کشورهای مورد توجه ویژه کمیسیون: ایران» [OTHER COUNTRIES — 2008 ANNUAL REPORT OF THE U.S. COMMISSION ON INTERNATIONAL RELIGIOUS FREEDOM]

اردیبهشت ۱۳۸۷ دستگیر شده بودند علیرغم بازداشت بیشتر از یک سال، هنوز به طور علنی متهم به هیچ جرمی نشده‌اند.^{۷۶}

آزار و تعقیب

اساسنامه رُم جرم آزار و تعقیب را به عنوان «محرومیت شدید و عمدی گروهی از حقوق اساسی مغایر با حقوق بین‌الملل و به علت هویت یا سایر مسائل مختص گروه» تعریف می‌کند.^{۷۷} آزار و تعقیب می‌تواند بر اساس عضویت در یک گروه و یا به علت زمینه‌های سیاسی، مذهبی، نژادی و یا قومیتی باشد.^{۷۸} دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق تشریح می‌کند که

تجاوز به حقوق بنیادی و لاینفک انسان، که شامل «حقوق حیات، آزادی و امنیت شخصی»، حق «برده یا بنده» نشدن، حق «در معرض شکنجه یا رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده» قرار نگرفتن، و حق در معرض «دستگیری خودسرانه، بازداشت یا تبعید» قرار نگرفتن که در مواد ۳، ۴، ۵ و ۹ اعلامیه رسمی حقوق بشر تأیید شده‌اند، به علت ماهیت خاص آنها، اگر بر مبنای تبعیض‌آمیز صورت پذیرفته شده باشند می‌توانند آزار و تعقیب محسوب شوند.^{۷۹}

صرف نظر از قتل و شکنجه^{۸۰} اعمال زیر در صورتی که بر مبنای تبعیض‌آمیز مرتکب شده باشند آزار و تعقیب محسوب می‌شوند: «تخریب وسیع و گسترده املاک و اموال»،^{۸۱} «غارت و چپاول اموال»،^{۸۲} و «تخریب اموال و دارایی یا وسایل امرار معاش»، «تخریب یا صدمه به مؤسسات آموزشی یا مذهبی»،^{۸۳} «مزاحمت، تحقیر و آزار و سوءرفتار روانی»،^{۸۴} «محرومیت از داشتن حساب بانکی، فرصتهای شغلی و آموزشی، و انتخاب همسر ... به علت ... مذهب»،^{۸۵} «تحریک به قتل و نسل‌کشی»، و «سخنرانی تحریک‌آمیز».^{۸۶}

[ON THE COMMISSION'S CPC LIST: IRAN] (۲۰۰۸)، قابل دسترسی در <http://www.uscifr.gov/images/AR2008/iran.pdf> (تاریخ دسترسی: ۲۵ اکتبر ۲۰۰۸).

^{۷۶} «ایران: دستگیریهای خودسرانه/زندانیان عقاید سیاسی» [Iran: Arbitrary arrests/Prisoners of conscience]، سند (سازمان عفو بین‌الملل، نیویورک) ۱۵ مه ۲۰۰۸، قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/068/2008/en/25f1bbd2-2339-11dd-89c0> (تاریخ دسترسی: ۱۲۵ اکتبر ۲۰۰۸).

^{۷۷} اساسنامه رُم، ماده (g)(۷)، ر.ک. زیرنویس ۱.
^{۷۸} کسبسی و همکاران، ر.ک. زیرنویس ۲، ص. ۳۷۸.

^{۷۹} «دادستان علیه بلاسکیچ» [Prosecutor v. Blaskic]، شماره پرونده IT-95-14-A، حکم دادگاه، پاراگراف ۱۳۶ (۲۹ ژوئیه ۲۰۰۴) (که از «دادستان علیه بلاسکیچ» [Prosecutor v. Blaskic]، شماره پرونده IT-95-14-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۲۲۰ (۳ مارس ۲۰۰۰) نقل قول می‌کند).

^{۸۰} همان، پاراگراف ۱۴۳ (که به «دادستان علیه کوپرسکیچ» [Prosecutor v. Kupreskic]، شماره پرونده IT-95-16-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۶۱۵ (۱۴ ژانویه ۲۰۰۰) ارجاع می‌دهد).

^{۸۱} «دادستان علیه کوچکا و همکاران» [Prosecutor v. Kvočka et al.]، شماره پرونده IT-98-30/1-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۱۸۶ (۲ نوامبر ۲۰۰۱) (که به «دادستان علیه کوپرسکیچ» [Prosecutor v. Kupreskic]، شماره پرونده IT-95-16-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۶۳۱ (۱۴ ژانویه ۲۰۰۰) ارجاع می‌دهد).

^{۸۲} همان (که به «دادستان علیه بلاسکیچ» [Prosecutor v. Blaskic]، شماره پرونده IT-95-14-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۲۳۴ (۳ مارس ۲۰۰۰) ارجاع می‌دهد).

^{۸۳} همان (که به «دادستان علیه کوردیچ و همکاران» [Prosecutor v. Kordic et al.]، شماره پرونده IT-95-14/2-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۲۰۶ (۲۶ فوریه ۲۰۰۱) ارجاع می‌دهد).

^{۸۴} «دادستان علیه کوچکا و همکاران» [Prosecutor v. Kvočka et al.]، شماره پرونده IT-98-30/1-A، حکم دادگاه، پاراگراف ۳۲۵ (۲۸ فوریه ۲۰۰۵) (که بیان می‌کند که «هیچ شکی وجود ندارد که در شرایط و اوضاع و احوالی که جرم ارتکاب یافته است و با در نظر گرفتن آثار فزاینده آن، اعمال مزاحمت، تحقیر و سوءرفتار روانی ... اعمالی هستند که با توجه به وخامت و سنگینی آنها عناصر مادی جرم آزار و تعقیب محسوب می‌شوند)؛ همچنین نگاه کنید به همان، پاراگراف ۳۲۳.

^{۸۵} «دادستان علیه کوچکا و همکاران» [Prosecutor v. Kvočka et al.]، شماره پرونده IT-98-30/1-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۱۸۶ (۲۶ فوریه ۲۰۰۴).

^{۸۶} «دادستان علیه نهیماننا و همکاران» [Prosecutor v. Nahimana et al.]، شماره پرونده ICTR-99-52-T، حکم دادگاه و مجازات، پاراگرافهای ۹۸۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷ (۳ دسامبر ۲۰۰۳) (که به توطئه و تعرض، نظرات و احکام [Conspiracy and Aggression, Opinion and Judgment]، (۱ اکتبر ۱۹۴۶)، دفتر سرکنسول ایالات متحده آمریکا برای تعقیب جرایم اساسی [Office of the U.S. Chief of Counsel for Prosecution of Axis Criminality]، (۱۹۴۷) ارجاع می‌دهد).

بررسی سوءرفتار برنامه‌ریزی‌شده و گسترده رژیم آشکار می‌کند که تمامی اعمال فوق، در زمانهای مختلف، بر علیه بهاییان ایران اعمال شده است. همان طور که در فوق و در گزارشهای قبلی شرح داده شد، بهاییان ایران از آزار و تعقیب در اشکال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رنج برده‌اند.^{۸۷} بسیاری از دارایی و اموال خصوصی و محل کسب و کارشان مصادره شده است، فرصتهای شغلی و آموزشی به آنها داده نشده است، شاهد تخریب اماکن مقدس و محترم آنها (شامل خانه باب، مقدس‌ترین مکان مذهبی دیانت بهایی) و شاهد بی‌حرمتی نسبت به قبرستانهای آنها بوده‌اند.^{۸۸} بنابراین بدیهی است که هدف قرار دادن بهاییان ایران توسط رژیم ایران تضمینهای مقرر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را که همه دولتهای عضو را مکلف به «احترام و تضمین تمام حقوق شناخته شده توسط میثاق برای تمامی افراد ساکن در کشورها و حوزه صلاحیت قضایی آنها» بدون در نظر گرفتن «نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا سایر عقاید، تعلق ملی یا اجتماعی، دارایی، محل تولد یا سایر موقعیتهای اجتماعی» را نقض می‌کند.^{۸۹}

۵. مسئولیت‌پذیری برای جنایت علیه بشریت

مسئولیت‌پذیری بر مبنای مسئولیت کیفری فردی اجازه دستگیری، محکومیت و مجازات مرتکبین نقض حقوق اساسی بشر را می‌دهد.^{۹۰} چنین مسئولیت‌پذیری ممکن است بر اساس شرکت مستقیم در جرم، شامل ارتکاب جرم، طراحی، تحریک کردن، دستور دادن یا کمک و مساعدت در اجرای اعمال و رفتار مجرمانه باشد.^{۹۱} مسئولیت فردی همچنین می‌تواند بر اساس اصل مسئول بودن فرمانده محقق شود که در صورت قصور فرمانده در اعمال معیارهای لازم و معقول جهت جلوگیری یا مجازات زيردستان خود که مرتکب جنایت شده‌اند و او از آنها آگاهی داشته است فرمانده را مسئول می‌شناسد.^{۹۲} اعمال این اصل بین‌المللی مسئولیت‌پذیری، خواه بر اساس شرکت مستقیم و خواه بر اساس مسئول بودن فرمانده، بیانگر این امر است که بسیاری از مسئولین و مقامات عالی‌رتبه تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ممکن است به علت نقش خود در ارتکاب جنایت علیه بشریت بر علیه جامعه بهاییان ایران گناهکار شناخته شوند.

۵.۱. مسئولیت‌پذیری فردی

از زمان دادگاه نورنبرگ، بدیهی است که افراد—خواه در مقام و سمت رسمی خود عمل کنند و خواه به طور غیررسمی—می‌توانند برای ارتکاب جنایت علیه بشریت محاکمه و محکوم شوند.^{۹۳} این جرایم مشمول صلاحیت

^{۸۷} نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶، صص. ۲۳-۵۲ (که در میان سایر موارد به تخریب بناهای مذهبی و فرهنگی، مصادره اموال بهاییان، محرومیت از تحصیلات برای دانش‌آموزان بهایی و اخراج بهاییان از سازمانها و مشاغل دولتی استناد می‌کند).

^{۸۸} به طور کلی نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶.

^{۸۹} میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲، رک. زیرنویس ۴۲.

^{۹۰} اساسنامه رُم، ماده ۲۵، رک. زیرنویس ۱.

^{۹۱} همان، ماده (۳) ۲۵.

^{۹۲} همان، ماده ۲۸.

^{۹۳} برای مثال نگاه کنید به پیام اخوان، «ما فوق مصونیت: آیا حقوق کیفری بین‌المللی می‌تواند از فجایع آینده پیشگیری کند؟» [Payam Akhavan, *Beyond Impunity: Can International Criminal Law Prevent Future Atrocities?*], ژورنال حقوق بین‌الملل آمریکا، شماره ۹۵، ص. ۷ (۲۰۰۱) (که به طور مفصل به توسعه و پیدایش یک سیستم عدالت کیفری بین‌المللی واقعی که مسئول رسیدگی و تعقیب مرتکبین جرایم بین‌المللی نظیر جرایم جنگی، شکنجه، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی باشد می‌پردازد). تعقیب کیفری افراد توسط دادگاه‌های بین‌المللی دائمی یا ویژه از زمان دادگاه نورنبرگ افزایش یافته است. نگاه کنید به جورج ای. ادواردز، «قانون حقوق بشر بین‌المللی دادگاه‌های کیفری جدید را به چالش می‌کشد: جستجو و ادراک حق حریم شخصی» [George E. Edwards, *International Human Rights Law Challenges to the New Criminal Court: The Search and Seizure Right to Privacy*], ژورنال حقوق بین‌الملل دانشگاه ییل، شماره ۳۹، صص. ۳۲۳، ۳۴۰-۳۴۱، ۳۸۸-۳۸۹ (۲۰۰۱).

عمومی هستند—بدین معنی که هر یک از اعضای جامعه بین‌المللی می‌تواند این جرایم را تحت تعقیب قرار دهد مشروط بر اینکه شرایط معینی محقق باشد.^{۹۴} علاوه بر این، همان طور که در موارد دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دیوان کیفری بین‌المللی رواندا صورت پذیرفت، جامعه بین‌المللی می‌تواند یک دیوان و دادگاه موقت برای تعقیب این جرایم تشکیل دهد.^{۹۵}

مطابق حقوق بین‌الملل، افراد ممکن است در ارتکاب جنایت علیه بشریت گناهکار شناخته شوند در صورتی که در اعمال و رفتار مجرمانه شرکت کرده باشند. برای مثال دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق تشریح کرده است که «مسئولیت کیفری فقط افرادی که به طور فیزیکی مرتکب یک جرم شده‌اند را در بر نمی‌گیرد بلکه همچنین می‌تواند کسانی را که در ارتکاب جرم مشارکت داشته و به ارتکاب جرم از طرق مختلف کمک کرده‌اند را شامل شود در صورتی که چنین مشارکتی مطابق اصول مرتبط با مسئولیت معاونین جرم به اندازه کافی به جرم مرتبط باشد».^{۹۶} به طور مشابه و همان طور که در اساسنامه رُم بیان شده است، افراد ممکن است در ارتکاب جرم و یا مساعدت در ارتکاب جرم به صورت فردی، اشتراکی، از طریق شخص دیگر و به علت صدور دستور، تحریک به ارتکاب جرم، ترغیب کردن، و کمک و مساعدت شخص دیگر در ارتکاب جرم مسئول شناخته شوند.^{۹۷} به طور دقیقتر و موشکافانه، در مورد ارتکاب یک عمل به صورت گروهی و اشتراکی، مسئولیت فردی مشمول «همه شرکت‌کنندگان در طراحی و ارتکاب عمل مجرمانه» می‌شود.^{۹۸} مقامات غیرنظامی یا سیاسی از نظر کیفری برای جرائمی که توسط زیردستان آنها انجام شده است مسئول می‌باشند، در صورتی که از وقوع این جرائم اطلاع داشته و یا آگاهانه اطلاعات مربوط به وقوع جرم را نادیده گرفته باشند.^{۹۹}

افراد متعددی ممکن است مسئول جنایت علیه بشریت علیه بهاییان در ایران باشند. به طور اخص، اعضای شورای انقلاب که از سال ۱۳۵۷ طراحی و اجرای حملات علیه بهاییان را تحت نظر داشته‌اند مسئول هستند.^{۱۰۰} اعضای شورای انقلاب شامل روحانیون طراز اول نظیر آیت‌الله مهدوی کنی، اکبر هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی می‌باشند.^{۱۰۱} برای ایراد محکومیت، جزئیات معین و مشخصی باید برای تعقیب هر فرد به طور اختصاصی ثابت شود، که وجود «یک طراحی، نقشه یا هدف مشترک که به ارتکاب جرم ختم شود»^{۱۰۲} و نیت و قصد در پیش بردن نقشه (که می‌تواند از مشارکت در ارتکاب جرم استنتاج

^{۹۴} برای مثال نگاه کنید به «سازمان عفو بین‌الملل، صلاحیت قضایی جهانی در اروپا: حد اعلای پیشرفت» [Amnesty Int'l, *Universal Jurisdiction in Europe: The State of the Art*], صص. ۴-۱ (۲۰۰۶)، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/reports/2006/ij0606/10.htm> (تاریخ دسترسی: ۲۵ اکتبر ۲۰۰۸)، همچنین نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۲۳-۲۵. با این حال باید توجه شود که مطابق رویه قضایی اخیر، مقامات رسمی در مقام و سمت رسمی خود ممکن است مصون از تعقیب توسط دادگاه‌های داخلی کشورهای که به آنجا مسافرت سفر می‌کنند باشند، در صورتی که این دادگاه‌ها به صلاحیت عمومی استناد کنند. برای مثال، نگاه کنید به پرونده قرار بازداشت ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ («جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک» [Democratic Republic of Congo v. Belgium])، دیوان بین‌المللی دادگستری [ICJ]، حکم دادگاه، ۱۴ فوریه ۲۰۰۲، پاراگراف ۷۵.

^{۹۵} به طور کلی نگاه کنید به اخوان، رک. زیرنویس ۹۳.

^{۹۶} «دادستان علیه بلاگوی سیمیچ و همکاران» [Prosecutor v. Blagoje Simic et al.]، شماره پرونده IT-95-9-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۱۳۵ (۱۷ اکتبر ۲۰۰۳).

^{۹۷} اساسنامه رُم، ماده ۲۵، رک. زیرنویس ۱.

^{۹۸} کسیمی، رک. زیرنویس ۲، ص. ۱۹۱؛ همچنین نگاه کنید به اساسنامه رُم، ماده (d)(۳)۲۵، رک. زیرنویس ۱.

^{۹۹} اساسنامه رُم، ماده ۲۸، رک. زیرنویس ۱.

^{۱۰۰} به طور کلی نگاه کنید به دیانتی ممنوع، رک. زیرنویس ۱۶.

^{۱۰۱} دیوید مناشری، «ایران: یک دهه جنگ و انقلاب» [DAVID MENASHRI, IRAN: A DECADE OF WAR AND REVOLUTION]، ص. ۱۱۵ (۱۹۹۰).

^{۱۰۲} «دادستان علیه تادیچ» [Prosecutor v. Tadic]، شماره پرونده IT-94-1-A، حکم دادگاه، پاراگراف ۲۲۷ (۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹).

شود) را شامل می‌شود.^{۱۳} تحقیق و بررسی بیشتر در مورد روش کار داخلی شورای انقلاب مورد نیاز است تا بتوان ثابت کرد که اعضای این شورا از نظر کیفری مسئول هستند.

در حال حاضر، هیچ مرجع بین‌المللی که به صورت فعال جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان آن را به علت حملات گسترده و برنامه‌ریزی شده علیه جامعه بهایی ایران مسئول بشناسد وجود ندارد. با این وجود، با گذشت زمان، جامعه بین‌المللی و اعضای آن ممکن است که مرتکبین این جرایم را مسئول بشناسند و به تبع آن یک مرجع رسیدگی برای تعقیب این جرایم تشکیل و یا بسط دهند.

۵.۲. مسئولیت دولت ایران

حکومت ایران، بر عکس افراد، نمی‌تواند در هیچ سیستم قضایی برای ارتکاب جنایت علیه بشریت پاسخگو باشد. با این وجود، این بدان معنی نیست که دولت ایران برای جرایمی که در این گزارش شرح داده شده مسئول نیست.^{۱۴} مطابق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همه دولتها موظف هستند که برای پیشگیری از این جرایم اقدام کنند، موارد نقض حقوق بشر به صورت جدی را مورد تحقیق قرار دهند، و افراد مسئول را تحت تعقیب قرار داده و مسئول بشناسند (حتی اگر مرتکبین این جرایم مقامات رسمی دولتی هستند).^{۱۵} با این وجود و به جای هرگونه چاره‌جویی در مقابل حملات علیه شهروندان بهایی، رژیم ایران به صورت فعال این حملات را تشویق و خود پشتیبانی کرده است. جامعه بین‌المللی باید ایران را محکوم کرده و برای نادیده گرفتن آشکار و وقیحانه قوانین حقوق بشر بین‌المللی مسئول بشناسد.

^{۱۳} همان (که به «دادستان علیه کواچکا و همکاران» [Prosecutor v. Kvočka et. al]، شماره پرونده IT-98-30/1-T، حکم دادگاه، پاراگراف ۲۷۱ (۲ نوامبر ۲۰۰۱) ارجاع می‌دهد).

^{۱۴} آندره نولکیمپر، «تلافی بین مسئولیت فردی و مسئولیت دولت در حقوق بین‌الملل» [André Nollkaemper, *Concurrence between Individual Responsibility and State Responsibility in International Law*], فصلنامه حقوق تطبیقی و بین‌الملل [INT'L & COMP. L.Q.]، شماره ۵۲، صص. ۶۱۵ و ۶۱۸ (۲۰۰۳) (که بیان می‌کند که جنایت علیه بشریت توسط افراد و دولتها ارتکاب می‌یابد). برای بحث مفصلتر درباره مسئولیت دولت ایران در برابر نقض حقوق بشر بین‌المللی و قوانین کیفری، نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۲۰-۱۱ و ۲۷-۲۵.

^{۱۵} نگاه کنید به زیرنویسهای ۴۹-۴۲ و متن مربوط به آنها (برای بحث راجع به مسئولیت جمهوری اسلامی ایران مطابق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و به خصوص مواد ۲، ۶، ۹ و ۱۴ میثاق)؛ همچنین نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، صص. ۲۰-۱۱.

۶. نتیجه گیری

مرکز اسناد حقوق بشر ایران بر این باور است که حملات عمدی و برنامه‌ریزی شده علیه جامعه بهایی ایران به حدی بوده است که جنایت علیه بشریت محسوب شود. این حملات و عملیات خصوصیت گستردگی و برنامه‌ریزی شده بودن را داشته و توسط عالیرتبه‌ترین مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران هدایت شده است. به طور اخص، تعدادی از شخصیت‌های عالیرتبه رژیم از جمله آیت‌الله مهدوی کنی، حسن ابراهیم حبیبی، اکبر هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی می‌توانند برای ارتکاب این جرایم کیفری به طور مستقیم مسئول شناخته شوند.

در حال حاضر، به نظر می‌رسد که تعداد نسبتاً کمی راه‌حل سازمانی (و سیاسی) برای به پای میز عدالت آوردن مقامات عالیرتبه دولت ایران که در عملیات آزار و تعقیب بهاییان مشارکت داشته‌اند وجود دارد. با این حال، راه‌های قانونی وجود دارند. احتمال تعقیب کیفری مقامات عالیرتبه ایران مسئول ارتکاب جنایت علیه بشریت، بر اساس صلاحیت عمومی و ضوابط و معیارهای عرفی، خواه در دادگاه‌های داخلی کشورهای عضو سازمان ملل و یا به عنوان جزئی از یک دادگاه و دیوان موقت برای رسیدگی و تعقیب و محاکمه این جرایم وجود دارد. با این وجود، و در غیاب فرصت‌های مناسب برای محکومیت کیفری آنها، دادستانها و خانواده‌های قربانیان این جرایم باید استراتژی‌های جدید حقوق مدنی را به منظور مسئول شناختن رژیم از نظر مالی در ارتکاب این جرایم به کار گیرند.^{۱۰۶}

به پای میز عدالت آوردن مرتکبین اعمال خشونت علیه بهاییان که با کارگردانی مستقیم دولت ایران صورت گرفته نیازمند عزم و پشتکاری راسخ است. مرکز اسناد حقوق بشر ایران امیدوار است که این گزارش و گزارش‌های مرتبط به آن، حداقل قربانیان، مدافعان حقوق بشر، مقامات دولتی و عموم مردم را آگاه و ترغیب کرده باشد تا در مطالبه و فعالیت خود به منظور مسئول شناختن جمهوری اسلامی ایران برای آزار و تعقیب آسیب‌پذیرترین اقلیت مذهبی کشور پایدار و ثابت قدم بمانند.

^{۱۰۶} نگاه کنید به محکوم توسط قانون، رک. زیرنویس ۱۲، بخش ۵ که بحثی مفصل درباره استراتژی‌های قانونی مختلف مدنی و کیفری که در اختیار قربانیان عملیات خشونت با پشتیبانی دولت ایران می‌باشند ارائه می‌دهد.

روش‌شناسی

تجزیه و تحلیل حقوقی انجام شده در این گزارش بر اساس حقایق جمع‌آوری و تدوین شده در دو گزارش قبلی مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «دیانتی ممنوع، آزار و تعقیب بهاییان ایران» و «جامعه‌ای در تنگنا: شرح مشقات بهاییان شیراز» می‌باشد.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران، اطلاعات گرد آمده در این گزارش را از منابع زیر اقتباس کرده است:

- مدارک دولتی. که اظهارات مقامات دولتی، بیانیه‌های منتشر شده توسط سازمانهای دولتی ایران و مدارک دادگاهها، نظیر دادگاههای انقلاب که در روزنامه‌ها یا مراحل دادرسی منتشر شده است.
- مدارک منتشر شده توسط سازمانهای غیردولتی. که شامل قطعنامه‌های سازمان ملل صادر شده توسط شورای عمومی و گزارشهای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و نیز گزارشهای سازمانهای منطقه‌ای نظیر اتحادیه اروپا می‌باشد.
- کتب و مقالات نوشته شده توسط افراد مختلف. که شامل اظهارات چاپ شده توسط کارکنان دولت جمهوری اسلامی ایران که دستور انجام این تخلفات را داده و آنهایی که این دستور را اجرا کرده و یا به سادگی شاهد صدور و یا اجرای این دستورات بوده‌اند می‌باشد.
- جامعه بین‌المللی بهاییان. مرکز جهانی بهاییان و سازمانهای وابسته به آن امکان دسترسی به آرشیو خود را برای مرکز اسناد حقوق بشر ایران فراهم آوردند.
- مقالات دانشگاهی. مقالاتی که تعدادی مورخ و دانشمند در رابطه با آزار و تعقیب بهاییان در ایران به رشته تحریر در آورده‌اند.
- گزارشهای رسانه‌ای. مقالاتی که در روزنامه‌های داخل و خارج از ایران چاپ شده‌اند.
- عکسها. که شامل عکسهای حملات به اماکن بهایی که توسط بهاییان گرفته شده و نیز عکسهایی که در منابع خبری ایران از سال ۱۳۵۷ چاپ شده است، می‌باشد.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران به ویژه مایل است از کتابخانه کنگره آمریکا برای کمکهای بسیار ارزشمندی که در تحقیقات مربوط به این پروژه انجام داده‌اند، سپاسگزاری نماید.

در مواردی که این گزارش به اطلاعات تهیه شده توسط عوامل دولتی و یا دیگر احزاب دست اندر کار ارجاع و یا به آنها استناد می‌کند، منابع این اطلاعات با ذکر ارزیابی و صحت و سقم هر منبع به طور اختصاصی بیان شده است. مرکز اسناد حقوق بشر ایران در نهایت دقت تمامی منابع به کار رفته در تهیه این گزارش را مورد بازبینی قرار داده تا از اعتبار و دقت آنها یقین کامل حاصل نماید.

گزارشهای آینده مرکز اسناد حقوق بشر ایران به مستندسازی موارد زیر می پردازند:

- نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران بیش از انتخابات رئیس جمهوری ۲۲ خرداد

۱۳۸۸



بهمن سمندری (متولد ۱۳۱۹) عضو برجسته جامعه بهاییان ایران و صاحب بنگاه مسافرتی موفق در تهران بود. در ۲۸ اسفند ۱۳۷۰، یک روز پس از احضار وی به زندان اوین، آقای سمندری اعدام شد. طی بازداشت کوتاه وی، آقای سمندری از حق دیدار با خانواده محروم بود و ایشان یا خانواده وی هرگز برگه اتهامات رسمی ایشان را که دلیل بازداشت وی را توضیح بدهد ندیدند. بعد از اعدام بدون تشریفات قانونی آقای سمندری، مأموران دولتی اجازه دستیابی خانواده به جسد وی را ندادند و خانواده موفق به دفن وی مطابق رسوم خود نشدند.